



- آیات نور**

هرچه داریم رزق الهی است

حجت الاسلام والمسلمین قرائتی در تفسیر آیه ۴۷ سوره «یس» درباره رشد انسان در سایه گذشت، سخاوت و محبت با این مضمون که «و هر گاه به آنان گفته شود از آن چه خداوند روزی شما کرده بخشش کنید، کسانی که کفر ورزیدند به کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: آیا به کسانی غذا دهیم که اگر خداوند می‌خواست خودش به آن‌ها غذا می‌داد؟ شما در گمراهی آشکاری هستید.» نکاتی را مطرح کرده اند که می‌خوانید:
۱- توجه به این که «آن چه داریم رزق الهی است نه ملک ما» بخشش را آسان می‌کند.
۲- کفر، سبب خودداری از انفاق است.
۳- کافر، رازق بودن خدا را مسخره می‌کند.
۴- انفاق، نشانه ایمان است. (زیرا ترک انفاق از ویژگی‌های کفار شمرده شده است).
۵- کار انسان به جایی می‌رسد که کفر و بخل را راه درست و ایمان و انفاق را انحراف می‌شمرد.
تفسیر نور

- پند نیکان**



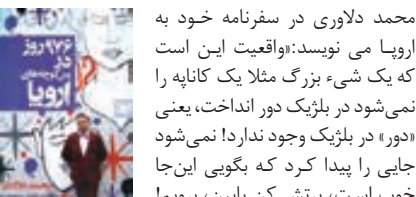
- داستانک طنز**

فراموشی و هر از مصیبت!

دو پیرمرد با هم به آرامی در حال قدم زدن بودند و چند قدمی جلوتر از آن‌ها، همسران شان هم داشتند قدم می زدند و صحبت می کردند. پیرمرد اول گفت: «من و زنم دیروز به به رستوران توی بولوار ساحلی رفتم که هم خیلی شیک و تر تمیز و با کلاس بود، هم کیفیت غذایش خیلی خوب بود و قیمت اش هم واقعا مناسب بود.» پیرمرد دوم: «ا...چه جالب. پس لازم شد ما هم به شب بریم اونجا... اسم رستوران چی بود؟»پیرمرد اول کلی فکر کرد و به خودش فشار آورد، اما چیزی یادش نیامد. بعد گفت: «بین، به حشره ای هست، پرهای بزرگ و خوشگلی داره، خشکشی می کنن تو خونه به عنوان تابلو نگه می دارن، اسمش چیه؟» پیرمرد دوم با تردید جواب داد: «پروانه؟» پیرمرد اول: «آره» بعد رو به پیرزن ها فریاد زد: «پروانه! پروانه! اون رستورانی که دیروز رفتم اسم اش چی بود؟»

- سفرنامه**

در بلژیک هیچ جایی «دور» نیست!



محمد دلاوری در سفرنامه خود به اروپا می نویسد:«واقعیت این است که یک شیء بزرگ مثلا یک کانپه را نمی‌شود در بلژیک دور انداخت، یعنی «دور» در بلژیک وجود ندارد! نمی‌شود جایی را پیدا کرد که بگویی این‌جا خوب است، پرترش کن پایین، برویم! همه جان‌زدیک است، همه جا یک هویت مشخص دارد و حتی اگر کسی هم نبیند، طراحی شهر و جاده به گونه‌ای است که آدم خجالت می‌کشد دست به این کارها بزند. به همین نسبت جای «دور افتاده» هم وجود ندارد، چون اصولا مرکز موضوعیتی ندارد. نزدیک بودن به پایتخت یا حتی پادشاه و نه هیچ چیز دیگر مرکزیت نمی‌آورد. در محوطه کمیسیون اروپا بودم که رئیس وقت کمیسیون با کلی اصحاب و یاران وارد محوطه شدند، هیچ یک از کسانی که مشغول کارشان بودند از جایشان تکان نخوردند. ۱۰ متر آن طرف‌تر یک نظافت‌چی داشت زمین را تمیز می کرد، حتی برگشت به رئیس کمیسیون بگوید حالت چطور است. شاید بزرگ‌ترین آرزو برای آینده هر سرزمینی این باشد که در آن «دور» وجود نداشته باشد.»

برگرفته از: ۹۷۶ روز بر پس کوجهای اروپا، اثر محمد دلاوری

- فتو نکته**

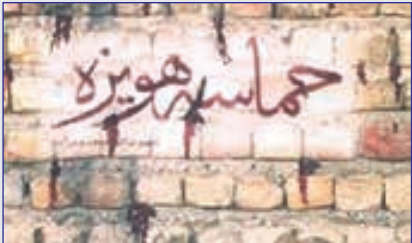
- اندک صبر**

دور دست

شعری گفته ام که قافیه و ردیف ندارد، حتی کلمات نیز به هم ریخته اند! گویا یاد تو در اشعارم کمرنگ شده است مانند دسته کیوترانی که در آسمان در دور دست پرواز می کنند

مهران پورسعید

حماسه شهدای هویزه



۱۵ دی ۱۳۵۹، روز آغاز عملیات دفاع و آزادسازی سوسنگرد و هویزه بود. برای این عملیات دو تیپ از لشکر ۱۶ زرهی قزوین و یک تیپ از لشکر ۹۲ زرهی اهواز در نظر گرفته شده بود که

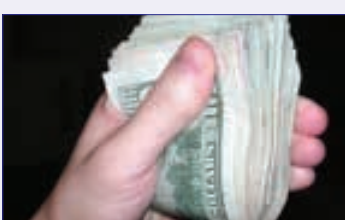
- دور دنیا**

هنرنمایی با تخم مرغ



دوام ندارد و نمی تواند گالری راه اندازی کند اما او هر روز تصاویر هنرنمایی هایش را منتشر می کند و حسابی معروف شده است.

مادر دور اندیش



بنابراین او از هر دوی آن‌ها خواست تا قرار دادی را امضا کنند که طبق آن هر کدام از آن‌ها موظف می‌شدند زمانی که به درآمد رسیدند مبلغ ۱/۷ میلیون دلار را برای هزینه تحصیل به مادرشان پرداخت کنند. اما یکی از پسرها قول و قرار را فراموش کرد و مادرش پای او را به دادگاه کشاند تا یک میلیون دلار از او بگیرد! دادگاه هم رای به نفع مادر صادر کرد و پسر او که حالا دکتر معروفی است، مجبور شد تا پول زیادی را به مادرش بدهد.

- شعر طنز**

بنده ندارم یک سند!

خواند یک شب مصطفای صابری روی میز خویش می زد کاردار بنده هم حرکات موزون می زدم سر صدا خیلی شد و آمد پلیس جمع ما را با خودش مأمور برد توی مرکز گفت آقای پلیس «می شوید آزاد ای افراد بد! بنده گفتم: «بی سند هستم عزیز صابری گفتش که: «سر هتنگ دلیر متن های خوب دارم بی عدد گفت با حال پریشان کاردار: منتها بنده ندارم یک سند گفت با یک حال معمولی سعید: (دقیق نفهمیدیم سعید مرادی می چیه!)

داد دست هر کس آقای رئیس گفت: «بنویسید زین پس توی بند حال یک گوشه نشست صابری ما ولی این بار زاری می کنیم! امیرحسین خوش حال

- قاب ایران**

تابستان برفی در بارگاه سوم

فصل زمستان هم فرا رسید و مسافانه هنوز شاهد بارشی نبوده ایم و این برای ساکنان شهرهای بزرگ بسیار ناراحت کننده است. اما مناطقی وجود دارند که حتی در تابستان هم شاهد بارش برف هستند، درست مانند همین تصویر که می ببیند و مربوط به جان پناه جبهه جنوبی کوه دماوند به نام «بارگاه سوم» در ارتفاع ۴۲۰۰ متری و در تیرماه است. اگر جزو افرادی هستید که به برف علاقه مندید و در شهرهای بزرگ زندگی می کنید، ورزش کوهنوردی می تواند انتخاب خوبی برای شما باشد تا در کوهستان و ارتفاعات بالا و حتی در فصل تابستان شاهد بارش برف باشید.



برای بمباران ظاهر شدند. در این ضد حمله سنگین دشمن که نیروهای ایرانی مجبور به عقب نشینی شدند، بیش از ۱۰۰ تن از پاسداران، جهادگران و دانشجویان پیرو خط امام از جمله حسین علم الهدی مفقودالاثرو شهید شدند. درپی این حادثه، نیروهای دشمن در تاریخ ۱۸ دی ۱۳۵۹، هویزه را اشغال کردند و پس از آن فرمانده نیروهای عراقی (خلیل الدوری) دستور داد تعدادی از مردم بی گناه را دست بسته در یک گودال قرار دهند و به شهادت برسانند. سپس عراقی ها تمام شهر را با دینامیت و بلدوزر نابود کردند. بدین ترتیب شهر به تپه ای خاک میدل شد.

شهید علم الهدی

سیدمحمدحسین علم الهدی،فرزندآیت...حاج سیدمرتضی، در هشتم مهر ۱۳۳۷، در اهواز چشم به جهان گشود. فعالیت



یکی از راه های ۱۰۰ برابر شدن پول در یک چشم به هم زدن!

Like Comment

« قیافه کرکس یک جو ریه که انگار اسم اسملیش کر کلیفه، اما کرکس سداش می‌کنن!

« حتی فیلتر شدن تلگرام و بستن فیلترشکن ها و قطع شدن اینترنت هم نتونست کاری کنه که ما بریم بشینیم پای درس هامون!

« تو خونه ما هرچی رو می خوان تست کنن فاسده یا نه، اول به من میگن بیا یک هم بخور ببین خوشمزه است یا نه. بعد اگه هیچیم نشد بقیه هم می خورن!

« اگه سر کوچه دیدین یک عده ششستن تخمه می خورن، تعجب نکنین. اینا مدیرها و ادمین های تلگرامن!

« بزرگ ترین سوالی که شب امتحان به ذهنم میاد اینه که من این درس ها رو کی برداشتم؟!

« رفتم دکتر گفتم آقای دکتر شب ها خوابم نمی بره. یک نسخه نوشت گذاشت کف دستم. بازش کردم دیدم نوشته پنج صفحه از جزوه هات رو هرسب قبل از خواب بخون!

« کاش اونایی که به اینستا میگن اینستا همچنان فیلتر بمونن!

Like Comment

- بریده تصویر**



- پاسخ مسابقه این کیه**

مرکز به گوشه!



سلام. این هم کاریکاتور کامل شخصیت مسابقه شماره ۶۴ «این کیه؟» آقای «مهدی ربیعی» بازیگر نقش سروان نعیمی در سریال لیسانسه ها که این شب ها از شبکه نسیم پخش میشه. آقای ربیعی که با لحن خاصی در این سریال صحبت می کنه، طرفداران زیادی پیدا کرده و در این نقش خوش درخشیده. این بار چهره مون رو سخت گرفته بودیم ولی باز هم شما نتونستین خوب تشخیص بدین. هر چند ۱۱ نفر به آقای محمد صادقی اشاره کرده بودن که هر چی فکر کردیم، به جز لیاس پلیسی، هیچ شباهت دیگه ای تو این دو تا چهره پیدا نکردیم!

برنده این مسابقه، باز هم خانم هستن و باز هم یک دختر خانم محصل، «نفیسه خطیب» ۱۴ ساله از سبزوار که به خاطر دیدن سریال لیسانسه ها نتونستن چهره مسابقه و تشخیص بدن. بهش تبریک می گیم که بعد از بارها شرکت تو مسابقه این بار قرعه به نامشون افتاد. به امید خدا چهارشنبه همین هفته و در مسابقه بعدی، عکس و کاریکاتور شون رو می تونید همین جا ببینید. خوش باشید.



های شهید در زمینه های فرهنگی، مذهبی و سیاسی تأپیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. بعد از پیروزی نیز علم الهدی منشأ فعالیت های مختلفی بود که تأسیس بسیج، مجاهدت در جهاد سازندگی، تأسیس سپاه هویزه و شرکت در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا همراه با دیگر دانشجویان پیرو خط امام از این جمله است. شهید علم الهدی که دانشجوی دوم دانشگاه مشهد در رشته تاریخ بود، با شروع جنگ تحمیلی همراه با گروهی از دانشجویان به سوی جبهه شتافت و در حالی که به اتفاق همزمان خود در حلقه محاصره دشمن در هویزه گرفتار شده بود، تا آخرین قطره خون به دفاع از ایران پرداخت و به دیدار پرورد گارش نایل آمد.

برگرفته از پایگاه شهید آوینی

- از اون لحاظ**

ما منتظر ستایش ۱۳ هستیم

در خبرها خواندیم که قرار است به زودی ستایش ۳ ساخته شود. واقعا این سریال های خیابان خلوت کن و کانون خانواده گرم کن بسیار از نظر ما لازم است باعث می‌شود که ما همه انتخاب‌ها از جمله تماشای تلویزیون خانه همسایه را به کناری بیندازیم و پای سریال های رسانه ملی بنشینیم. ساخت این سریال ها البته به ما نشان می‌دهد آن قدر که فکر می‌کنیم آب کم نیست و می‌شود تو روز روشن کلی آب به سریال‌ها بست، حقیقت این است که ما طرفدار پر و پا قرص سریال‌های رسانه ملی هستیم و ما اصلا همانی هستیم که هر روز صبح، ظهر و شب زنگ می‌زنند آی فیلم و می‌گویند لطفا سمندون و پدرسالار را یکی در میان پخش کنید و بعد که تمام شدند دوباره از آخر به اول و از وسط به اول و روزهای زوج و روزهای فرد و نصفه شب و اول صبح و قبل از ناهار پخش کنید، ما دوست داریم. در واقع لازم می‌بینیم آن قدر پخش کنید که بالاخره این آذر لوجو از خر شیطان پیاده شود و قبول کند بایداد پدرسالار اینها یک جا زندگی کند و این قدر دل عزیز را خون نکنند. سمندون هم قول می‌دهد بیاید مثل بچه دیو توی همان زیرزمین ساکن شود و این قدر توی خواب ما نیاید.

اما با پخش دوباره سریال ستایش واقعا ما پیش‌بینی می‌کنیم که شاهد اتفاقات جذابی باشیم. البته در راس همه این اتفاقات، چالش بزرگ دست اندر کاران سریال قطعا بر هیچ کدام از ما پوشیده نیست. بنده از همین جا به گرمور محترم سریال خداحوت عرض می‌کنم و می‌گویم: «گرمور دقت کن! حقیقتا گرمورهای قبل از تو سوءتفاهم بوده، ولی واقعا مسئله مهمی است که فریم عینک خانم ستایش درست انتخاب شود تا سن جدید ایشان در سریال کاملا برای ما ساده‌ها قابل باور شود. چون علم روز سریال سازی و فیلم سازی می‌گوید که یک فریم عینک اشتباه می‌تواند یک سریال را با شکست مواجه کند و باعث شود مردم به خوبی با فیلم ارتباط نگیرند.

همچنین ما هم از همین جا قول می‌دهیم زود مطالب برایمان جا بیفتد تا آقای حشمت فردوس هی گلویش را اذیت نکند که از جا افتادن مطلب مطمئن شود. شما را نمی‌دانم ولی من از همین الان فریاد می‌زنم: «ما منتظر ستایش ۳ هستیم، هیچ جا نمی‌ریم همین جا هستیم!»

محمد علی محمد پور



- ماوشما**

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

❖ تمام اینایی که توی مطلب «دو بچه کافی نیست» اسم بردید، پولشون از پارو بالا میره و هیچ مشکل اقتصادی و معیشتی از فاصله ۳۰ کیلومتری خانواده هاشون هم عبور نمی کنه. ❖ دخترم نرگس، از فداکاری و احساس مسئولیت ات تشکر می کنم، تولدت مبارک. ❖ مطلب «قربان زخمه های تو، خون پاش و نغمه ریز» بسیار بسیار خوب کنه، نه عالی بود. از این که به موسیقی مقامی خراسان بزرگ (از شمالی تا جنوبی) اهمیت می دهید بسیار گزرم. ولی استاد عیسی بخشی (قلی پور) را فراموش نکردید. تشکر یک مشترک بجنورد

❖ میگم اگه می خواین یک ستون بزیند به نام مجنون پور که دیگه این آقا ستون ما و شما را تسخیر کنند.

یک زندگی سلامی اصیل
❖ به دنبال حرف دوست عزیزی که گفته دو بچه کافی نیست، الان همون یکی هم زیاد است با این وضعیت کار و خشکسالی...

❖ عکس خانوادگی ورزشکاران و هنرمندان را در صفحه زندگی سلام دیدم. درود بر وحید شمسایی با این خانواده با حجاب و محبوحش

❖ واقعا باید به داوران بخش «چی شده؟» آفرین گفت! بر چه اساسی این جملات انتخاب میشن؟ **سجاد قربانی**
❖ آق کمال! در این چله زمستان می خواهم آدم برفی درست کنم اما کو برفش؟ یا توگو حالا چه کار کنم؟!

آق کمال: چاره ای ندارم، یا با برکف فریزرتان درست کنن، یا با ای یونولیت های دور بخچال!
❖ سه نقطه آن روز با موضوع «نامه فرستادن در جزیره اسرار آمیز» نقطه ای است جلوی نمره ۲ من!
پاسخ خفن استرپ شماره قبل: درممانده - خبرنگارمه- مالا مال